

هو الله - ای بنده صادق جمال مبارک همواره محررات آن دوست حقیقی سبب مسراتت.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۸۸

هو الله

ای بنده صادق جمال مبارک همواره محررات آن دوست حقیقی سبب مسراتت. مکتوبی که مرقوم نموده بودید قرائت شد و بر تفصیل اطلاع حاصل گردید. الحمد لله آن صفحات رو به انتعاش است و احبای الهی رو به ترقی. از کتاب منهاج الشیاطین مرقوم نموده بودید. این کتاب بسیار خوشت زیرا از عبارات و اشارات و عنوان و حکایاتش بغض و عدوان و جهل و طغیان واضح و عیانست. هر نفسی که اندک انصافی داشته باشد به محض نظر به آن کتاب واقف گردد که منشأ صرف بغضا و جهل است. عبارات قبیحه اش عداوت صریحه است و فی الحقیقه جمیع فرق عالم را رد کرده ماعدای طریقه بالاسری. آن را نیز از قرائن کلماتش معلومست اعتنائی ندارد. این شخص از کثرت تقلیس این کتاب را دام تلبیس نمود که بلکه عطیّه ای گیرد و منفعتی برد چنانکه در ظهر کتابش صریح مرقوم نموده است ولی مانند ابلیس مأیوس و نومید شده. به جمیع صفحات عالم فرستاده حتی به ارض مقدّس و از اینگونه تألیفات بسیار خواهید دید. اینها ضرری به امر نرساند. آنچه ضرر امر است حرکتی مخالف رضای مبارک و عدم آراستگی به فضائل و خصائل اهل حقیقت. یاران الهی اگر مرکز سنوحات رحمانیه گردند به شعاعی ساطع این ظلمات را محو و نابود کنند. گواه عاشق صادق در آستین باشد. این شخص نصف کتابش مفترباست و بسیار از کلمات را تغییر و تبدیل داده، فسوف یری نفسه فی خسران



ORIGINAL



AUDIO

مبین. شما در آذربایجان به حکمت تامّ شهرت دهید که این شخص آنچه نوشته است مقصدش صرف افترا بوده، اگر حقیقت این امر را بخواهید کتب و رسائل استدلالیه موجود ملاحظه نمائید که هیچ اثری از این مفتریات در آن مذکور و یا نفسی مقتدر بر جواب هست. چون از بیان و برهان عاجزند لهذا به این مفتریات پردازند که شاید بدین سبب نار موقده را خاموش کنند. یزیدون ان یطفثوا نور الله بافواههم و یأبی الله الا ان یتّم نوره ولو کره الکافرون. در ایام حضرت رسول روحی له الفداء نیز از این قبیل اشیا بسیار انشا و انشاد نمودند. مثلاً الفیل ما الفیل و ما ادراک ما الفیل له خرطوم طویل و این را در محافل و مجالس می خواندند و قرآن می گفتند ولی آیا این نزاع و جدال سبب اضمحلال امر الله شد لا والله بلکه سبب قوّت امر گردید. پس مطمئن باشید که امر عن قریب اوج گیرد و به یک موج این خس و خاشاک ها را به وادی هلاک اندازد. شما در فکر تبلیغ باشید. دیگر آنکه احبّای الهی باید نفوس مهمّه را که اظهار حمایت می نمایند مخفی و مستور بدارند. هر نفسی که داند به دیگری ابدأ ابراز ندارد. مثلاً شاید امروز یکی از بزرگان با آن جناب ملاقات نمود و جستجوئی کرد. شما ابدأ به دیگری ابراز ندارید و همچنین اگر کسی از شخص دیگری از احباب سؤالی کرد که دلیل بر انصاف بود باید او را مکتوم بدارد زیرا نفس شهرت سبب فرار او گردد چرا می ترسد که در معرض امتحان و افتتان افتد، فاعلم الکفایة بصریح الاشارة. مقصود اینست که یاران الهی را چنین تعلیم نمائید و اگر چنانچه ممکن بشود که احبّاء کلّ یکدیگر را مستور بدارند و ذکری ننمایند این دیگر بهتر خیلی مدار ترویج است و علیک التّحیة و التّناء. ع ع

مثلاً یکی از یاران الهی نفسی را هدایت نمود باید مکتوم بدارد و پیش دیگران ذکر هدایت او را اگر ننماید البتّه بهتر است زیرا محفوظ و مصون ماند و از این گذشته فوائد و منافع دیگر نیز حاصل گردد. ع ع